

## تاثیر زبان مادری بر روند آموزشی کودکان پیش دبستانی در مناطق دو زبانه

شیبا روماسی

دانشجوی کارشناسی ارشد موسسه آموزش عالی آفاق ارومیه رشته علوم تربیتی

### چکیده

هدف پژوهش، بررسی تاثیر زبان مادری بر روند آموزشی کودکان پیش دبستانی مناطق دوزبانه صومای برادوست آذربایجان غربی می باشد که از روش تحقیق همبستگی استفاده شد. جامعه آماری، معلمان پیش دبستانی منطقه صومای برادوست آذربایجان غربی در سال ۱۴۰۲ به تعداد ۱۷۶ نفر بود. که از این تعداد ۱۲۵ معلم به روش نمونه گیری تصادفی ساده بررسی شدند. نتایج آزمون فرضیات نشان داد، رابطه دو متغیر روند آموزشی و زبان مادری مناطق دوزبانه هر دو متاثر از متغیرهای سومی بنام جنسیت، تحصیلات و سن پاسخگویان هستند و استدلال محقق مبنی بر کاذب بودن رابطه درست بوده و متغیر سوم رابطه این دو متغیر را تبیین کرده است و تبیین پیش بین به متغیرهای سومی بنام جنسیت، تحصیلات و سن پاسخگویان بوده است. نتایج مدل رگرسیونی نشان داد متغیرهای منتخب در حدود ۴۵ درصد تغییرات در روند آموزشی را برآورد نمودند و ۵۵ درصد از واریانس باقی مانده توسط سایر متغیرهایی که خارج از معادله هستند، تبیین می شود. و در نهایت نتایج تحلیل مسیر نشان داد که اثر کل متغیر سن پاسخگویان از همه متغیرهای دیگر با ضریب بتای ۰/۳۲۷ بیشتر است در حالی که متغیر جنسیت پاسخگویان با ضریب بتای ۰/۱۰۶ دارای کمترین اثر کل است. لذا متغیر سن پاسخویان دارای بیشترین سهم و متغیر جنسیت پاسخگویان، کمترین سهم را در تبیین متغیر روند آموزشی کودکان پیش دبستانی مناطق دو زبانه دارد. با نگاهی به نتایج تحقیق می توان گفت که شیوه ای باید اتخاذ کرد که زبان مادری در اوایل دوره پیش دبستانی و ابتدایی تا زمانی که دوزبانه ها به سطح سوم آستانه رشد دست یابند؛ یعنی در هر دو زبان به توانش کافی دست یابند، در آموزش کاربرد داشته باشد تا دانش آموزان بتوانند پیشرفت مطلوبی کسب کنند. همچنین، برای تسهیل آموزش دوره ی پیش دبستانی در این مناطق می توان محتوای کتب و فعالیت های آموزشی را بومی و محلی در نظر گرفت تا چالش توأمان محتوای جدید و زبان فارسی باعث سردرگمی کودکان دوزبانه نگردد.

**واژگان کلیدی:** زبان مادری، روند آموزشی، کودکان پیش دبستانی، مناطق دوزبانه، صومای برادوست آذربایجان

غربی.

## مقدمه

در بسیاری از کشورها و از جمله کشور ما، زمانی که کودک به سنی می‌رسد که باید تحت آموزش رسمی قرار گیرد، با زبانی غیر از زبان مادری خود و با زبانی که در سراسر کشور به عنوان زبان رسمی شناخته شده و از لحاظ نظام آوایی - واژگانی و دستوری متفاوت از زبان مادری اوست، آموزش می‌بیند و از این مرحله است که پدیده دو زبانی مطرح می‌شود (ترکمان، ۱۳۹۶). دوزبانی<sup>۱</sup> یکی از مسائل پیچیده‌ای است که در نظام‌های تعلیم و تربیت خیلی از کشورهای جهان من جمله کشور ما وجود دارد. کشور ایران از جمله کشورهایی است که در آن زبان‌ها و گویش‌های زیادی وجود دارد که با زبان رسمی کشور متفاوت است. کودک دو زبانه وقتی به یادگیری موضوعی جدید مشغول است، ممکن است آموخته‌هایی که از قبل در او وجود دارد، باعث شوند بر آموخته‌های جدید تاثیر بگذارند و مانع از آن شوند که کودک یاد بگیرد و گاه عکس این حالت رخ می‌دهد. این کودکان بخصوص کودکانی که در کلاس‌های پایین‌تر ابتدایی به تحصیل مشغولند، به سبب پایین بودن مرحله رشد و نداشتن تجربه و مفهوم‌سازی‌هایی ساده‌تر نمی‌توانند دروس معلم را بفهمند و درک کنند (روچی و همکاران، ۱۳۹۸).

ویگ<sup>۲</sup> و سمل<sup>۳</sup> از بکارگیری روزافزون تحقیقات زبان در توضیح و تشریح ناتوانی‌های یادگیری سخن می‌گویند. یک بخش از ناتوانی‌های یادگیری، مربوط به محرومیت‌های زبانی<sup>۴</sup> است. برنشتین<sup>۵</sup> (۱۹۵۸) می‌گوید کودکانی که مدرسه را با محرومیت‌های زبانی شروع کنند نه تنها در بیان مطالب و مفاهیم، مهارت‌های زبان، املا و انشاء مشکل دارند بلکه بطور کلی ارائه تفکر ذهنی پیشرفته برای آنها با اشکال صورت می‌گیرد. ناتوانی‌های یادگیری باعث عارضه‌های آموزشی می‌شود. از جمله عوارضی که زبان‌های مادی و معنوی بسیاری به کودکان و نوجوانان وارد می‌سازد و عدم کارایی نظام آموزش و پرورش را باعث می‌شود، افت تحصیلی یا عدم پیشرفت تحصیلی است (مفیدی و همکاران، ۱۳۹۷). اگر واقعاً هر دو زبان با یکدیگر متفاوت باشند، ارتباط میان معلم و شاگرد قطع خواهد شد و قطع ارتباط برابر با عدم درک مطالب کلاس و افت تحصیلی است و این عارضه‌ای است که امروزه گریبان‌گیر بسیاری از کشورها شده است. برخی از صاحب‌نظران معتقدند، در مدرسه باید زبان مادری مورد توجه قرار گیرد که استفاده از آن می‌تواند خیلی از مشکلات تحصیلی دو زبانه را حل کند و این زبان در موقعیت‌های مختلف بکار برده شود و کودک باید در آن تسلط کامل بدست بیاورد. در مناطق دوزبانه معمولاً در دوره ابتدایی و پیش‌دبستانی از نظر تحصیلی تفاوت‌های فاحشی با مناطق تک زبانه وجود دارد که بنظر می‌رسد، دوزبانه بودن علت این امر باشد (مهدی‌پور، ۱۳۹۹). دوزبانه بودن یک امر مثبتی است و داشتن زبان‌های دیگر نوعی ثروت ملی محسوب می‌شود و در جوامعی که بطور طبیعی دارای زبان‌های متعددی است و بدون صرف سرمایه اصلی در فرایند اجتماعی شدن فرا گرفته می‌شود، نه تنها نباید آنها را از میان برد، بلکه باید تلاش برای حفظ آنها صورت بگیرد، باید طوری برنامه‌ریزی کرد که به روش و زمان یادگیری زبان دوم توجه کافی مبذول داشت که اگر این عوامل مدنظر قرار نگیرند، پیامدهای منفی دوزبانی ظهور خواهد کرد.

با بررسی مطالب مرتبط با موضوع مشخص گردید؛ پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته، همگی بر وجود مشکلات زبانی و غیرزبانی و دیگر مسائلی که در پیشرفت تحصیلی کودکان تأثیرات نامطلوب دارد، اشاره شده است. برای رفع مشکل این کودکان در مناطق دوزبانه، به ویژه در بدو ورود به مدرسه به یک برنامه دقیق و سنجیده نیاز است. دلیل انتخاب معلمان این است که آنها در همه سال‌های تحصیل و تدریسی خود، تجربه تحصیل به زبان غیرمادری را داشته‌اند و با دید علمی قادر به بیان اعتقادات، نظرات و

<sup>1</sup> - Bilingualism

<sup>2</sup> - Whig

<sup>3</sup> - Semmel

<sup>4</sup> - Linguistic exclusion

<sup>5</sup> - Bernstein

پیشنهادهای سازنده خود می‌باشند. دلیل انتخاب منطقه صومای برادوست آذربایجان غربی به عنوان جامعه آماری پژوهش حاضر این است که در منطقه صومای برادوست همانند مناطق دوزبانه دیگر کودکان ابتدا در خانواده زبان مادری خود را فراگرفته و تا زمان ورود به دبستان به آن سخن می‌گویند. اما زمان ورود به مدرسه و رویارویی با زبان فارسی در یادگیری این زبان با مشکلاتی مواجه می‌شوند. این مشکلات ناشی از پدیده‌های دوزبانگی، اختلاف زبانی، روش‌های آموزش زبان فارسی در مناطق دوزبانه، عوامل فرهنگی، اجتماعی و عوامل خانوادگی می‌باشد. در نهایت دلیل بررسی روند آموزشی کودکان پیش‌دبستانی، حساسیت این مقطع تحصیلی برای کودکانی است که برای اولین بار وارد نظام آموزشی کشور می‌شوند. نظام آموزش و پرورش ما بطور ملموس با چندگانگی زبانی و مسایل ناشی از آن در ابعاد شناختی، عاطفی، اجتماعی و فرهنگی روبروست ولی سیاست زبانی نظام آموزشی ایران بر پایه‌ی زبان فارسی، بعنوان زبان رسمی آموزش، استوار است و همه‌ی دانش‌آموزان کشور، فارسی زبان تلقی می‌شوند، در صورتی که در کشور ما همه‌ی کودکان در سنین شش یا هفت سالگی وضعیت زبانی یکسانی نداشته و تسلط آنان به زبان فارسی به یک اندازه نیست، با این شرایط و روند عملی آن، وجود اختلالات آموزشی بواسطه وضعیت‌های زبانی متفاوت اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا زبان، یعنی ابزار و شرط اصلی آموزش در اینجا به سدی بدل شده است، که خود بعنوان مانع آموزش و انتقال اطلاعات عمل کرده و بروز مشکلات عاطفی و روانی اکثر دانش‌آموزان غیرفارسی زبان را باعث می‌شود. معمولاً کودکان دوزبانه بدون کمترین آشنایی قبلی با زبان فارسی وارد دبستان می‌شوند و چون ناچارند بدون تسلط بر ابعاد شفاهی زبان فارسی، ابعاد نوشتاری یعنی خواندن و نوشتن آنرا بیاموزند، در دبستان، عملکرد مناسبی ندارند. لذا در سال‌های اول ورود به مدرسه، با مشکلات زیادی روبرو شده و در طی سال‌های بعد نیز، به دلیل نداشتن تسلط کافی به زبان آموزش، در فهم دروس دیگر نیز با مشکلاتی مواجه می‌شوند. انجام پژوهش حاضر اهمیت نظری و عملی برای صاحب‌نظران و متخصصان در پی دارد به این امید که از نتایج چنین تحقیقاتی استفاده شود. به لحاظ نظری به صاحب‌نظران و برنامه‌ریزان کمک می‌کند که دریابند در صورت وجود توجه به زبان مادری، هر یک از دانش‌آموزان در محیط کلاس با علاقه به کلاس می‌آیند. و به کار کردن در آن محل افتخار می‌کنند. همچنین از لحاظ عملی به نهاد آموزش و پرورش کمک می‌کند که با تاکید به زبان دوم (زبان مادری)، از تمام تخصص، تجربه، علم و توانمندی‌های جسمی و ذهنی دانش‌آموزان بهره‌مند شود و آنها را با تمام دلسوزی و علاقه در اختیار داشته باشد تا اهداف و ماموریت‌های جامعه را برآورده سازند. در حالی که در حال حاضر در نظام‌های آموزشی و برنامه‌های درسی متمرکز، تفاوت بین زبان آموزشی و زبان مادری دانش‌آموزان نادیده گرفته می‌شود. این مسئله بخصوص در نظام‌های آموزشی ایران محسوس است. در حال حاضر در ایران هم کودکانی که به زبان مادری صحبت می‌کنند و هم کودکانی که فارسی زبان هستند دقیقاً از یک کتاب و از یک روش تدریس استفاده می‌کنند که این امر باعث بروز مشکلات برای کودکان غیرفارسی زبان می‌شود که تعدادشان هم کم نیست (ادیب، ۱۳۹۵).

تنها رویکرد جدیدی که در آن بر استفاده از زبان مادری، حداقل در مرحله شروع یادگیری، بسیار تاکید می‌شود رویکرد آموزش زبان در متن جامعه، است که براساس الگوی تربیتی فراگیری مشورتی کارن استوار است. تشابه روش دستور - ترجمه با رویکرد آموختن زبان در متن جامعه در استفاده از زبان مادری در ترجمه و توضیح نهفته است. اما در جایی که در روش قدیمی به توصیف زبان‌شناختی زبان‌های باستانی پرداخته می‌شود در رویکرد آموزش زبان در متن جامعه تاکید بر اجتماعی بودن فرایند زبان است. زبان یعنی مردم، زبان یعنی اشخاص که با یکدیگر در ارتباط‌اند، زبان یعنی اشخاص در حال پاسخ گفتن (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶). علاوه بر این، نظریه یادگیری که زیربنای رویکرد آموزش زبان در متن جامعه است، نظریه فراگیری است که تمام یادگیری فرد اعم از شناختی و عاطفی را در بر می‌گیرد (جوادی، ۱۳۹۸). در قطب دیگر، تا آنجا که به استفاده از زبان مادری در کلاسهای آموزش زبان دوم مربوط می‌شود، رویکردها و روش‌های مبنی بر حذف زبان مادری در تدریس و یادگیری زبان دوم عرضه می‌گردند. این جریان در روش مستقیم که واکنشی در مقابل روش ترجمه- دستور بود و اخیراً در رویکرد رفتاری صرف، رویکرد صامت، رویکرد طبیعی و رویکرد

القای بروز کرده است. روش‌های اخیر، مانند رویکرد آموزش زبان در متن جامعه، به عنوان وجهی از تدریس و فراگیری زبان به شکل ارتباطی پدید آمده‌اند. در این بررسی به روش مستقیم، رویکرد طبیعی و رویکرد رفتاری صرف می‌پردازیم. در روش مستقیم و دیگر رویکردهای جدید مثل رویکرد طبیعی و رویکرد رفتاری صرف، تلاش بر ابداع شیوه‌ای مبتنی بر مشاهده کودکانی است که در حال یادگیری زبان اول هستند. طرفداران روش مستقیم اظهار می‌کردند که زبان بیگانه را می‌توان بدون استفاده از زبان مادری یادگیرنده آموزش داد به شرط آنکه معنی مستقیماً از طریق حرکت و نمایش منتقل گردد. زبان آموزش در کلاس دری باید منحصر به زبان دوم باشد. آنان در آموزش زبان، محاوره را مقدم می‌داشتند، یعنی، لغات زبان جدید را با مدلول آنها در دنیای خارج ارتباط داده و تمرین و فعالیت پی‌گیر را تا جلب و نگهداری علاقه فراگیر ادامه می‌دادند (همان). استفاده از روش مستقیم عمدتاً در مدارس خصوصی که دانش‌آموزان معمولاً برای یادگیری زبان خارجی انگیزه بسیار دارند، قرین موفقیت بوده است ولی در مدارس دولتی که معلمان خارجی زبان نبودند و دانش‌آموزان انگیزه کمتری برای یادگیری از خود نشان می‌دهند استفاده از این روش موفقیت چندانی نداشته است (احمدی‌فرد و اسکندری، ۱۳۹۸). به آسانی می‌توان تصور کرد که وابستگی محض به زبان دوم و حذف کامل زبان مادری تا چه اندازه دست و پاگیر و بی‌ثمر است، بخصوص در مورد دانش‌آموزانی که زبان دوم را به عنوان یک موضوع درسی رسمی فرامی‌گیرند. رویکرد رفتاری صرف و رویکرد طبیعی با روش مستقیم مبنایی مشترک برای یادگیری زبان دوم دارند که شامل همان فرایندهای یادگیری زبان اول است. هر دو رویکرد بر درک مطلب یا داده‌های قابل فهم تأکید می‌کنند. در رویکرد رفتاری صرف یادگیرنده مجبور است به دقت گوش بدهد و عملاً به آموزش معلم پاسخ دهد. در این رویکرد حذف زبان مادری صریحاً توصیه نشده است ولی تلویحاً آمده است. به این معنی که به دانش‌آموزان تا زمانی که زبان دوم را به حد کفایت نیاموخته باشند اجازه صحبت کردن داده نمی‌شود. در رویکرد طبیعی مبنای کار بر استفاده از زبان در موقعیت‌های ارتباطی قرار دارد بدون آنکه به زبان مادری توسل جوییم (عصاره، ۱۳۹۸).

برخی از مطالعات به تأثیرات مخرب دوزبانگی بر عوامل شناختی اشاره کرده‌اند. از جمله این تحقیقات عبارتند از: براک<sup>۱</sup> و پری<sup>۲</sup> (۲۰۱۶)، کارولی و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۰)، هاریس<sup>۴</sup> (۲۰۱۲) و سیر<sup>۵</sup> (۲۰۱۲). این گروه، پدیده‌ی دوزبانگی را مانعی بر سر راه رشد شناختی و سازگاری اجتماعی و عاملی برای مساعد ساختن لکنت و اختلال زبان می‌دانند. به باور آنها، کودک در بدو ورود به مدرسه همزمان با دو وظیفه‌ی سنگین یادگیری زبان دوم و یادگیری خواندن و نوشتن روبه‌رو می‌شود. در واقع کودک وادار می‌شود تا خواندن و نوشتن را که خود مهارتی مهم و پایه‌ای است، به زبانی که هنوز با آن نامانوس است بیاموزد (سپهر، ۱۳۹۳). این عمل موجب عقب افتادگی مرحله‌ی تکلم در کودک شده و تفاوت‌های دستوری در زبان به اختلال و بی‌نظمی فکری منجر می‌شود. مخالفان دوزبانگی معتقدند که در شروع گفتار آثار دوزبانگی کاملاً مشهود نیست، اما با گذشت زمان به تدریج آشکارتر می‌شود. کودک دوزبانه هنگام ورود به مدرسه چنان از نظر گفتاری عقب می‌ماند که آمادگی درک دروس را ندارد و سازگاری او با عوامل و شرایط محیطی مدرسه نسبت به کودکان یک زبانی به مراتب دشوارتر است. ناتوانی کودک دوزبانه در بیان مناسب مطالب موجب نگرانی بیش از حد در کودک شده و به همین دلیل کودکان دوزبانه با موانع سختی در سازگاری تحصیلی روبه‌رو می‌گردند و به زحمت می‌توانند به موفقیت تحصیلی دست یابند.

<sup>1</sup> - Barke

<sup>2</sup> - Perry

<sup>3</sup> - Karoly, L. A., Kilburn, M. R., & Cannon, J. S.

<sup>4</sup> - Harris

<sup>5</sup> - Saer

این صاحب نظران معتقدند که تأثیر منفی دو زبانی در سازگاری عاطفی و اجتماعی کودک بیش از موفقیت تحصیلی است. به دلیل بیان نامناسب مطالب، این کودکان مورد تمسخر کودکان دیگر قرار می گیرند و پیامد این وضع احساس خشم و افسردگی در این کودکان است. در نتیجه، این کودکان از گفتگو با دیگران خودداری کرده به کودکانی خموش تبدیل می شوند و این حالت بر تکامل شخصیتی آنها اثر منفی بجا می گذارد (علوی، ۱۳۹۷). در مقابل، گروه دیگری دوزبانی را، به ویژه اگر در دوره ی کودکی حادث شود، فرصت مغتنمی برای برقراری ارتباط بهتر با محیط پیرامون و دستیابی به رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی لازم به شمار می آورند و معتقدند که آموزش زبان دوم به کودکانی که زبان مادریشان زبانی غیر از زبان رسمی است، فرصت لازم را برای توسعه ی مهارت های شناختی فراهم می سازد (براهنی، ۱۳۹۷). باورمندان به پیامدهای مثبت دو زبانی با استناد به نتایج پژوهش های علوم شناختی مبتنی بر نظریه ی انتقال مهارت ها، ادعا می کنند که مهارت ها و دانش تحصیل شده در زبان اول به زبان دوم منتقل شده و یادگیری واژگان مربوطه را در زبان دوم به طور قابل ملاحظه ای تسهیل می نماید (گلدمن<sup>۱</sup> و همکاران، به نقل از کشاورز، ۱۳۹۵: ۵۲). ویگوتسکی معتقد است که دو زبانی موجب توسعه ی توانایی های شناختی، مهارت های فرازبانی و روانی کلامی شده و در دوران کودکی برای فرد پیامدهای مثبت بیشتری در مقایسه با بزرگسالی به همراه دارد. به علاوه می تواند مهارت های زبان اصلی را افزایش دهد و نواقص آن را جبران کند (Raymond et al, 2020).

تحقیقات بسیاری درباره ی زبان مادری در داخل و خارج انجام شده است که مباحث مختلفی را مورد بررسی قرار داده اند. تعدادی از پژوهش ها به پیشرفت زبانی دانش آموزان در پایه اول ابتدایی در مناطق دوزبانه (باستان و عبداللهی، ۱۴۰۱؛ براهویی مقدم، ۱۳۹۹؛ احمدی فرد و اسکندری، ۱۳۹۸؛ شکاری و همکاران، ۱۳۹۷؛ ویسی تبار، ۱۳۹۲؛ روحی و بهنام، ۱۳۹۱؛ علی پور و همکاران، ۱۳۹۱؛ سائر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲؛ کامینز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳ و لامبرت<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳)، تعدادی به رویکرد برنامه ی درسی زبان آموزی در مناطق دوزبانه (درازی و درازی، ۱۴۰۱؛ سموای اقدم، ۱۳۹۴؛ کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰؛ مانتی<sup>۵</sup>، شیانگ<sup>۶</sup> و لارنس<sup>۷</sup>، ۲۰۱۷)؛ تعدادی به شناسایی صلاحیت های حرفه ای معلمان ابتدایی در مناطق دوزبانه (شکراللهی و همکاران، ۱۴۰۰) پرداخته اند. لذا با توجه به مطالب فوق، هدف مطالعه حاضر دستیابی به این سوال بود که آیا زبان مادری بر روند آموزشی کودکان پیش دبستانی تأثیر معناداری دارد؟ آیا رابطه زبان مادری و روند آموزشی کودکان پیش دبستانی مناطق دوزبانه صومای برادوست آذربایجان غربی با توجه به متغیر جنسیت، سن و میزان تحصیلات معنادار است؟

## روش تحقیق

در این پژوهش از روش تحقیق همبستگی استفاده شد. جامعه آماری، معلمان پیش دبستانی منطقه صومای برادوست آذربایجان غربی در سال ۱۴۰۲ به تعداد ۱۷۶ نفر هستند که با روش نمونه گیری تصادفی ساده انتخاب شدند و مقدار حجم نمونه نیز با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد که در نهایت تعداد ۱۲۵ نفر از معلمان پیش دبستانی منطقه صومای برادوست به روش تصادفی انتخاب و پرسشنامه در بین آنها توزیع گردید. برای آزمون روابط متغیرها، از آزمون های پارامتری ضریب همبستگی پیرسون و به منظور بررسی روابط چند متغیره ابتدا از روش رگرسیون استفاده گردید و سپس از روش تحلیل مسیر استفاده شد.

<sup>1</sup> - Goldman

<sup>2</sup> - Saer

<sup>3</sup> - Cummins

<sup>4</sup> - Lambert

<sup>5</sup> - Montie

<sup>6</sup> - Xiang

<sup>7</sup> - Lawrence

**زبان مادری:** این متغیر در مقیاس رتبه‌ای سنجیده شد به طوری که در چند گویه در قالب طیف لیکرت، ارزیابی شد. در پایان نمره زبان مادری در دامنه ۱ تا ۵ مشخص شد که ۱ بیانگر بیشترین توافق و ۵ بیانگر کمترین توافق است.

**روند آموزشی:** این متغیر نیز در مقیاس رتبه‌ای سنجیده شد. به طوری که در چند گویه در قالب طیف لیکرت، ارزیابی شد. در پایان نمره متغیر روند آموزشی در دامنه ۱ تا ۵ مشخص شد که ۱ بیانگر بیشترین توافق و ۵ بیانگر کمترین توافق است.

**دو زبانه بودن:** این متغیر به شکل یک سوال مشخص شد. در نهایت نمره متغیر دو زبانه بودن در دامنه ۱ تا ۲ مشخص که ۱ بیانگر کرد بودن پاسخگو و ۲ بیانگر غیرکرد بودن پاسخگو بود.

**جنسیت:** این متغیر در سطح اسمی و با یک سوال در مورد زن یا مرد بودن پرسش بعمل آمد.

**سطح تحصیلات:** این متغیر نیز در مقیاس رتبه‌ای سنجیده و با یک سوال پرسیده و ارزیابی شد. نمره متغیر میزان تحصیلات در دامنه ۱ تا ۳ مشخص شد که ۱ بیانگر تحصیلات دیپلم یا پایینتر، ۲ بیانگر تحصیلات فوق دیپلم و ۳ بیانگر تحصیلات لیسانس و بالاتر بود. بنابراین در پایان نمرات را در سه دسته بالا، متوسط و پایین طبقه‌بندی کردیم.

**سن:** شکل سوال متغیر سن بصورت باز مطرح و با توجه به اظهارات پاسخگویان گروه‌بندی شده است.

جدول (۱) معرفی ساختار، نقش و مقیاس صفات مورد مطالعه در پژوهش حاضر

صفات	نقش	سطح سنجش در یافته‌های توصیفی	سطح سنجش در آزمون دومتغیره و چندمتغیره	تکنیک سنجش
سن	تعدیلگر	رتبه‌ای	رتبه‌ای	پرسش مستقیم
میزان تحصیلات	تعدیلگر	رتبه‌ای	رتبه‌ای	پرسش مستقیم
جنسیت	تعدیلگر	اسمی	اسمی	پرسش مستقیم
زبان مادری	پیش‌بین	رتبه‌ای	رتبه‌ای	لیکرت
روند آموزشی کودکان پیش‌دبستانی	ملاک	رتبه‌ای	رتبه‌ای	لیکرت

## یافته‌ها

متغیرهای شناسایی این تحقیق شامل جنسیت، گروه سنی، میزان تحصیلات، سابقه خدمت، وضعیت تاهل و قومیت پاسخگویان می‌باشد، که در این بخش به توصیف آماری آنها پرداخته شد.

جدول ۲) ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان

متغیر	دامنه	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	زن	۵۶	۴۴/۸
	مرد	۶۹	۵۵/۲
توزیع سنی	۳۰ سال و کمتر	۲۰	۱۶
	۳۱ تا ۳۴ سال	۵۹	۴۷/۲
	۳۵ تا ۳۸ سال	۳۴	۲۷/۲
	۳۹ سال و بالاتر	۱۲	۹/۶
تحصیلات	فوق دیپلم	۱۷	۱۳/۶
	لیسانس	۶۸	۵۴/۴
	فوق لیسانس و بالاتر	۴۰	۳۲
وضعیت سابقه خدمت	۵ سال و پایینتر	۱۸	۱۴/۴
	۶ تا ۱۰ سال	۴۷	۳۷/۶
	۱۱ تا ۱۵ سال	۳۸	۳۰/۴
	بیشتر از ۱۵ سال	۲۲	۱۷/۶
وضعیت تاهل	مجرد	۳۷	۲۹/۶
	متاهل	۷۳	۵۸/۴
	متعلقه (طلاق گرفته)	۱۲	۹/۶
	فوت همسر	۳	۲/۴
قومیت	کرد	۷۹	۶۳/۲
	غیر کرد	۴۶	۳۶/۸

برطبق جدول شماره ۲، از بین ۱۲۵ نفری که جزء نمونه آماری تحقیق بودند، ۶۹ نفر یا به عبارتی ۵۵/۲ درصد مرد و ۵۶ نفر یا به عبارت دیگر ۴۴/۸ نفر زن بوده‌اند. به لحاظ توزیع سنی، بیشترین پاسخگویان تحقیق در گروه سنی ۳۱ تا ۳۴ سال قرار داشتند. به لحاظ تحصیلات، تقریباً نیمی از پاسخگویان دارای تحصیلات لیسانس می‌باشند. به لحاظ وضعیت سابقه خدمت، ۳۷/۶ درصد (۴۷ نفر) پاسخگویان دارای سابقه خدمت ۶ تا ۱۰ سال، ۳۰/۴ درصد (۳۸ نفر) دارای سابقه خدمت ۱۱ تا ۱۵ سال و ۱۷/۶ درصد (۲۲ نفر) نیز دارای سابقه خدمت بیشتر از ۱۵ سال هستند. به لحاظ وضعیت تاهل، ۵۸/۴ درصد متاهل، حدود ۲۹/۶ درصد مجرد، درحالی که حدود ۹/۶ درصد متعلقه و حدود ۲/۴ درصد نیز دارای همسر فوت شده بودند. به لحاظ قومیت، ۶۳/۲ درصد کرد و حدود ۳۶/۸ درصد نیز غیرکرد بودند.



جدول ۳) نتایج رابطه بین زبان مادری، روند آموزشی کودکان پیش دبستانی و متغیرهای تحقیق و نتایج آزمون پیرسون

فرضیه	متغیر	دامنه	مقادیر پیرسون	سطح معناداری
کلی	زبان مادری و روند آموزشی کودکان پیش- دبستانی مناطق دو زبانه	-	۰/۶۹۰	۰/۰۰۱
جزئی	جنسیت	زن مرد	۰/۴۰۵ ۰/۳۱۰	۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱
جزئی	توزیع سنی	۳۰ سال و کمتر ۳۱ تا ۳۴ سال ۳۵ تا ۳۸ سال ۳۹ سال و بالاتر	۰/۶۱۰ ۰/۵۹۰ ۰/۵۶۰ ۰/۶۲۰	۰/۰۰۱ ۰/۰۰۱ ۰/۰۰۳ ۰/۰۰۱
جزئی	تحصیلات	فوق دیپلم لیسانس فوق لیسانس و بالاتر	۰/۳۸۰ ۰/۴۳۰ ۰/۴۱۰	۰/۰۱۲ ۰/۰۰۱ ۰/۰۰۳

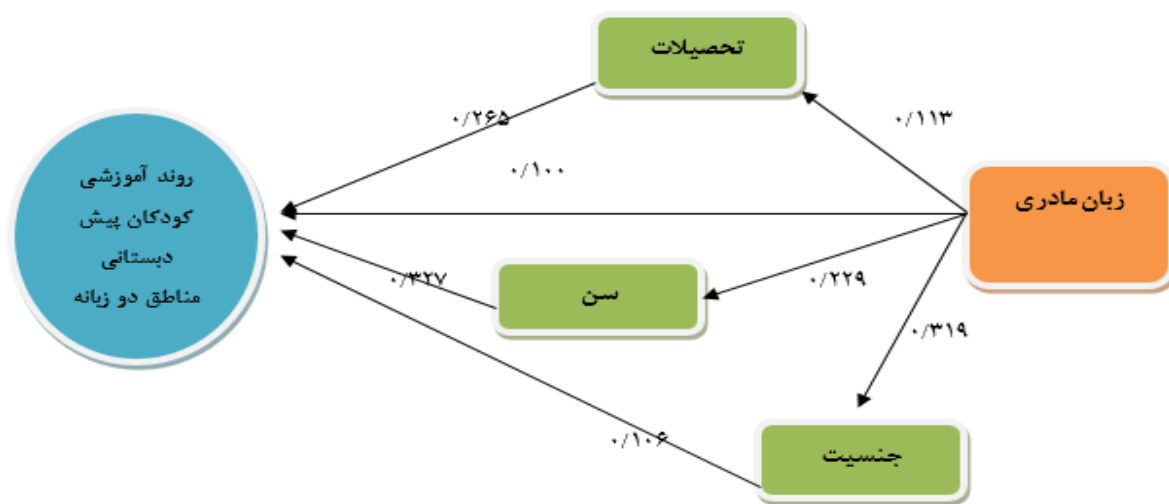
در این جدول بالا می بینیم که رابطه دو متغیر روند آموزشی کودکان پیش دبستانی و زبان مادری مناطق دو زبانه هر دو متاثر از متغیرهای سومی بنام جنسیت، توزیع سنی و تحصیلات هستند و استدلال محقق مبنی بر کاذب بودن رابطه درست بوده و متغیر سوم رابطه این دو متغیر را تبیین کرده است و تبیین پیش بین به متغیرهای سومی بنام جنسیت، توزیع سنی و تحصیلات بوده است. در رابطه آزمون فرضیه کلی، مقدار ضریب همبستگی حدودا ۰/۶۹ بود در حالی که با ورود متغیرهای جنسیت، توزیع سنی و تحصیلات این رابطه رخت برست و مقادیر متفاوت و معنادار بود. با وارد کردن متغیرهای تحقیق در مدل رگرسیونی، مشاهده شد که تمام متغیرهای وارد شده با متغیر پیش بین معنی دار بوده لذا تمام متغیرها در معادله باقی ماندند.

جدول ۴) تجزیه واریانس متغیرهای موثر بر روند آموزشی کودکان پیش دبستانی بعد از حذف متغیرهای بی تاثیر یا کم تاثیر

منبع تغییرات	حاصل جمع	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
رگرسیون باقیمانده	۱۷۳/۰۸۷	۴	۱۹/۲۳۲	۲۹/۹۵۱	۰/۰۰۱
R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> تصحیح شده	اشتباه استاندارد S.E		
۰/۶۷۲	۰/۴۵۲	۰/۴۳۵	۰/۸۶۰۷۹		
۰/۶۷۲	۰/۴۵۲	۰/۴۳۵	۰/۸۶۰۷۹		

ارقام جدول شماره ۴، نشان می دهند که متغیرهای ملاک وارد شده بر متغیر روند آموزشی کودکان پیش دبستانی (متغیر پیش بین) موثرند. مقدار F محاسبه شده ۲۹/۹۵۱ می باشد و در سطح ۰/۹۵ معنی دار است. R یا ضریب همبستگی چندگانه ۰/۶۷۲ بدین معنی است که متغیرهای ملاک داخل معادله به طور همزمان ۶۷ درصد با متغیر روند آموزشی کودکان پیش دبستانی (متغیر پیش بین) ارتباط دارند. R<sup>2</sup> یا ضریب تعیین به دست آمده نشان می دهد که ۴۵ درصد از واریانس متغیر روند آموزشی به وسیله متغیرهای ملاک موجود در معادله تبیین می شود و حدود ۵۵ درصد باقیمانده را متغیرهای دیگری تبیین می کنند که خارج از این بررسی قرار دارند.





جدول ۵) میزان تاثیر مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیرهای ملاک بر متغیر پیش بین روند آموزشی کودکان پیش دبستانی مناطق دو زبانه

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
سن	۰/۳۲۷	-	۰/۳۲۷
تحصیلات	۰/۲۶۵	-	۰/۲۶۵
جنسیت	۰/۱۰۶	-	۰/۱۰۶
زبان مادری	۰/۱۰۰	۰/۱۳۶	۰/۲۳۶

جدول فوق نشان داد متغیر سن پاسخگویان رابطه مستقیم قوی با روند آموزشی کودکان پیش دبستانی مناطق دو زبانه دارد و نسبت به سایر متغیرهای تحقیق دارای بیشترین ضریب بتا با ۰/۳۲۷ است. به عبارت دیگر سهم متغیر سن پاسخگویان نسبت به سایر متغیرهای تحقیق در تبیین روند آموزشی کودکان پیش دبستانی مناطق دو زبانه بیشتر است. متغیر تحصیلات پاسخگویان نیز با تاثیر بتای ۰/۲۶۵ مستقیم بر روند آموزشی کودکان پیش دبستانی مناطق دو زبانه تاثیر گذاشته است. متغیر جنسیت پاسخگویان با تاثیر بتای ۰/۱۰۶ بر روند آموزشی کودکان پیش دبستانی مناطق دو زبانه مستقیم تاثیر گذاشته است و زبان مادری با تاثیر بتای ۰/۱۰۰ دارای ضریب بتای مستقیم کمتری نسبت به سایر متغیرهای تحقیق و این بیانگر این نکته است که متغیر زبان مادری نسبت به سایر متغیرهای وارد شده در مدل تحلیل مسیر، دارای کمترین سهم در تبیین متغیر روند آموزشی کودکان پیش دبستانی مناطق دو زبانه است. در بین متغیرهای وارد شده در مدل تحلیل مسیر، تنها متغیر زبان مادری دارای تاثیر غیرمستقیم بوده که با محاسبه ضرایب آن نشان داده شد که ۰/۱۳۶ بوده است. اثر کل متغیر سن پاسخگویان از همه متغیرهای دیگر با ضریب بتای ۰/۳۲۷ بیشتر است در حالی که متغیر جنسیت پاسخگویان با ضریب بتای ۰/۱۰۶ دارای کمترین اثر کل است. به عبارت دیگر، متغیر سن پاسخگویان دارای بیشترین سهم و متغیر جنسیت پاسخگویان، کمترین سهم را در تبیین متغیر روند آموزشی کودکان پیش دبستانی مناطق دو زبانه دارد.

## بحث و نتیجه گیری

زبان، وسیله‌ای برای برقراری ارتباطات اجتماعی است و به فهم منظور دیگران کمک می‌کند و وسیله‌ای موثری برای انتقال پیام و منظور به دیگران بشمار می‌رود. اگر کودکی در پیام‌رسانی و فهم منظور دیگران با مشکل مواجه باشد، رشد اجتماعی او به خطر می‌افتد. دوزبانگی یکی از مسائل پیچیده‌ای است که در نظام‌های تعلیم و تربیت خیلی از کشورهای جهان من جمله کشور ما وجود دارد. کشور ایران از جمله کشورهایی است که در آن زبان‌ها و گویش‌های زیادی وجود دارد که با زبان رسمی کشور متفاوت است. کودکان این مناطق قبل از ورود به مدرسه به این زبان‌ها (زبان مادری خود) تکلم می‌کنند و بعد از ورود به مدرسه مجبورند، زبان رسمی که همان زبان رسمی کشور است را فرا بگیرند که در آن، زبان مادری کودک با زبان آموزش او متفاوت است. دوزبانگی خانه و مدرسه نامیده می‌شود. نتایج فرضیه جزئی اول (جنسیت) همسو با تحقیقات احمدی‌مهر (۱۳۷۱)، احتشامی و همکاران (۱۳۸۸)، نصیری‌الموتی (۱۳۸۸)، فقیه (۱۳۸۹)، باوی (۱۳۹۰)، معروفی و همکاران (۱۳۹۱)، ویسی‌تبار (۱۳۹۲)، براهویی‌مقدم (۱۳۹۹) و شکراللهی و همکاران (۱۴۰۰) بوده است که معتقد بودند پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با جنسیت متفاوت در مناطق دوزبانه و تک‌زبانه تفاوت معناداری دارد و براساس یافته‌های این پژوهش‌ها می‌توان گفت که دوزبانگی نه فقط تهدید نیست، بلکه در صورت توجه مناسب و به موقع به زبان مادری، می‌تواند به تقویت دیگر مهارت‌های شناختی و انتقادی دانش‌آموزان منجر شود. همچنین نتایج فرضیه جزئی دوم (سن) همسو با تحقیقات جایسن (۱۹۸۰)، نصیری‌الموتی (۱۳۸۸)، فقیه (۱۳۸۹)، روحی و بهنام (۱۳۹۱)، احمدی‌فرد و اسکندری (۱۳۹۸)، باستان و همکاران (۱۴۰۱) و مانتی، شیانگ و لارنس (۲۰۱۷) بوده است و نشان دادند که کودکانی که زبان مادری را در آموزش‌های پیش از دبستان بکار می‌گیرند، در سال اول دوره ابتدایی در مهارت‌های شفاهی زبان فارسی نسبت به همسالان خود تواناترند و پیشرفت تحصیلی بهتری دارند. همچنین معتقد بودند که کودکانی که از زبان مادری استفاده می‌کنند، پس از برخورداری از چند سال آموزش دوره ابتدایی، از رسیدن به مرحله مورد انتظار از لحاظ مهارت‌های شفاهی زبان فارسی باز می‌مانند و نیز این که کودکان دو زبانه در صورت بهره‌مندی از آموزش‌های پیش دبستانی می‌توانند حتی پس از گذشت چند سال همچنان نسبت به کودکان دوزبانه که این دوره را نگذرانده اند پیشرفت تحصیلی بهتری داشته باشند. نتایج فرضیه جزئی سوم (تحصیلات) نیز همسویی کاملی با تحقیقات بلوم (۱۹۶۴)، ژونگ (۲۰۰۹)، لاننبرگ (۲۰۰۰)، احمدی‌مهر (۱۳۷۱)، خوشرو (۱۳۷۵)، هوسپیان (۱۳۷۸)، نصیری‌الموتی (۱۳۸۸)، احتشامی و همکاران (۱۳۸۸)، فقیه (۱۳۸۹)، باوی (۱۳۹۰)، کلانتری و همکاران (۱۳۹۰)، علی‌پور و همکاران (۱۳۹۱)، شکاری و همکاران (۱۳۹۲)، سماوی‌اقدم (۱۳۹۴) و درازهی و درازهی (۱۴۰۱) داشته است. نتایج تحقیقات ذکر شده نشان می‌دهد که میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان با توجه به افزایش سطوح تحصیلی در دانش‌آموزانی که در مناطق دوزبانه زندگی می‌کنند نسبت به دانش‌آموزانی که در مناطق تک زبانه بسر می‌برند، کمتر بوده و این نشان از تاثیر زبان دوم مادری بر روند آموزشی این دانش‌آموزان بوده است. باتوجه به نتایج تحقیق می‌توان گفت که برای آموزش زبان دوم به کودک دوزبانه ابتدا باید وی را با دستور زبان مادری‌اش آشنا نمود تا با شناخت کامل زبان مادری خود به یادگیری زبان دوم بپردازد نه اینکه جنبه‌های دستوری زبان مادری خود را از طریق زبان دوم یاد بگیرد. در آموزش زبان دوم باید ابتدا کودک را با جنبه‌های شفاهی زبان دوم همانند زبان مادری‌اش آشنا نمود، سپس جنبه‌های نوشتاری و خواندن به وی آموزش داده شود. تمام مدیران و مسئولان آموزش‌های پیش دبستانی تلاش کنند تا همه‌ی کودکان ایرانی در یک فرصت برابر از آموزش‌هایی باکیفیت بالا همراه با نظارت بر نحوه‌ی اجرای برنامه‌های آموزشی در این دوره بهره‌مند شوند. شیوه‌ای باید اتخاذ کرد که زبان مادری در اوایل دوره پیش‌دبستانی و ابتدایی تا زمانی که دوزبانه‌ها به سطح سوم آستانه رشد دست یابند؛ یعنی در هر دو زبان به توانش کافی دست یابند، در آموزش کاربرد داشته باشد تا دانش‌آموزان بتوانند پیشرفت مطلوبی کسب کنند. جهت رساندن سطح زبان شفاهی کودکان دوزبانه به آستانه‌ی آمادگی جهت ورود به اول ابتدایی، دوره‌ی جامعی در پیش‌دبستانی که همه‌ی نیازهای آموزشی کودکان دوزبانه در آن لحاظ شده باشد، برگزار

گردد تا این کودکان بتوانند در دوره‌ی دبستان آمادگی لازم برای تعامل کارا با محیط آموزشی را دارا باشند. برای رشد زبان شفاهی دانش‌آموزان در مناطقی که کودکان به زبانی غیر از زبان فارسی تکلم می‌کنند، باید مربیان متخصص و علاقه‌مند در این زمینه تربیت شوند تا بتوانند با دنیای کودکان ارتباط شفاهی بهتری برقرار کنند و بر تکلم به زبان فارسی بیشتر تأکید شود تا کودکان در دوره پیش‌دبستانی و قبل از شروع دوره‌ی ابتدایی بتوانند منظور دیگران را بفهمند و قادر به بیان منظور خود باشند. بهتر است در مناطق دوزبانه هنگام ثبت‌نام کودکان در دوره‌ی پیش‌دبستانی با استفاده از آزمون رشد زبان توانش مهارت‌های شفاهی فارسی کودکان دوزبانه ارزیابی شود و متناسب با ضعف زبانی آنها دوره‌های جبرانی مناسب برگزار گردد. برای تسهیل آموزش دوره‌ی پیش‌دبستانی در این مناطق می‌توان محتوای کتب و فعالیت‌های آموزشی را بومی و محلی در نظر گرفت تا چالش توأمان محتوای جدید و زبان فارسی باعث سردرگمی کودکان دوزبانه نگردد. با گذر زمان و تقویت توانش زبان فارسی دانش‌آموزان می‌توان از محتوای ملی استفاده کرد. به دلیل اینکه پرسشنامه به صورت محقق ساخته تدوین گردید و دارای متغیرهای مختلفی بود ممکن است باتوجه به شرایط زمانی و مکانی و ویژگی‌های یک پرسشنامه استاندارد و مدون، تعدادی از متغیرها از قلم افتاده باشد. با توجه به این که پرسشنامه‌ها به مدارس برده می‌شد و دبیران، جامعه آماری تحقیق را تشکیل می‌دادند، زمان کافی برای پرسش و پاسخ وجود نداشت.

## منابع

- احمدی فرد، هاجر و اسکندری، زهرا، ۱۳۹۸، بررسی راهکارهای بهبود آموزش مناطق دوزبانه مطالعه مروری، نخستین همایش دوزبانگی و آموزش در منطقه بزینه رود.
- ادیب، یوسف، ۱۳۹۵، مقایسه تأثیر دوره آمادگی بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر دوزبانه و یک زبانه مقطع ابتدایی در شهرهای تبریز و تهران (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت معلم تهران، تهران.
- باستان، ثریا، عبداللهی، نسرین و سپیرانی، شیدا، بررسی و راهکار شناخت زبانی بر افزایش و آمادگی و پیشرفت زبانی مناطق دوزبانه. مجله علوم زیست محیطی و دانش جغرافیا. شماره ۶، ۱۴۰۱، ۸۳-۶۴.
- براهنی، محمدتقی، ۱۳۹۷، پیامدهای شناختی دوزبانگی، تهران: سمینار بررسی ابعاد دوزبانگی، وزارت آموزش و پرورش.
- ترکمان، منوچهر، ۱۳۹۶، مقدمات زبان آموزی، ویژه مراکز آموزش قبل از دبستان. تهران: انتشارات مدرسه.
- جواد، محمدجعفر، آموزش چندفرهنگی به مثابه رویکرد آموزشی، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۶۳، ۱۳۹۸، ۲۶-۹.
- درازهی، فرزانه و درازهی، محمد طارق، تحلیلی بر دو زبانی و آثار آن در آموزش زبان فارسی. مجله مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی. شماره ۴۳، ۱۴۰۱، ۲۷۰-۲۶۱.
- روحی، افسر و بهنام هشتجین، علی، ماندگاری تاثیر آموزش پیش دبستانی بر مهارتهای شفاهی زبان فارسی کودکان ترک زبان و پیشرفت تحصیلی آنان در پایان سال سوم ابتدایی، فصلنامه نوآوری آموزشی، شماره ۴۶، سال دوازدهم، تابستان، ۱۳۹۸.
- روحی، افسر و بهنام هشتجین، علی، تأثیر آموزش های پیش دبستانی بر رشد مهارتهای شفاهی دانش آموزان آذری زبان در پایه اول ابتدایی. فصلنامه نوآوری های آموزشی، ۱۰(۳۹)، ۱۳۹۸، ۵۰-۲۵.
- سپهر، حمید، ۱۳۹۳، سوادآموزی و ضرورت توجه به نیازهای کودکان دوزبانه، مجموعه مقالات همایش آموزش و پرورش. مشکلات و راه حل ها، سندج، دانشگاه کردستان.
- شکراللهی، رقیه، دهقانی، مرضیه، جوادپور، محمد، صالحی، کیوان و نوری، علی، شناسایی صلاحیت های حرفه ای معلمان ابتدایی در مناطق دوزبانه، پژوهش در برنامه ریزی درسی، سال هجدهم، دوره دوم، شماره ۴۳ (پیاپی ۷۰)، ۱۴۰۰، ۵۹-۳۵.
- عصاره، فریده، نگاهی به مسائل کودکان مناطق دوزبانه ایرانی در ورود به مدرسه. فصلنامه آموزش، شماره ۲، ۱۳۹۸، ۳۲-۱۵.
- علوی، سیدکامران، ۱۳۹۷، تفکر و زبان، تهران: پیام نور.
- علی پور، اصغر، اسدی، مسعود، نظری، علی محمد و شکوری، زینب، فراتحلیل نقش آموزش های پیش از دبستان و دوزبانگی در پیشرفت تحصیلی، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ششم، سال ۲۰، شماره ۱، ۱۳۹۶، ۱۵۴-۱۳۷.
- کشاوری، محمدحسین، ۱۳۹۵، تأثیر دوزبانگی در یادگیری واژگان زبان انگلیسی به عنوان یک زبان بیگانه. فصلنامه آموزش زبان، شماره سوم.
- مفیدی، فرخنده و سبزه، بتول، تأثیر فعالیتهای زبان آموزی دوره پیش دبستانی بر رشد زبان گفتاری دانش آموزان پایه اول دوره ابتدایی. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۱۰، ۱۳۹۷، ۱۴۲-۱۱۸.
- مهدی پور، نیره، ۱۳۹۹، بررسی تأثیر محرومیت محیطی بر رشد واژگان و زبان کودکان شیرخوارگاه. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.
- Cummins, J. (2022). The Influence of Bilingualism on Cognitive Growth. Clevedon, England: Multilingual Matters.
- Raymond, T. & et al. (2020). Relationships among bilingualism, critical thinking ability, and critical thinking disposition, Journal of professional Nursing, 18 ( 4 ),220-229.
- Saer, D. (2021). The Effect of Bilingualism on Intelligence. British Journal of Psychology, 14(3), 25-38.

## The effect of mother tongue on the educational process of preschool children in bilingual areas

Shiba Romasi

Master's student of Afaq Urmia Institute of Higher Education, field of educational sciences

### Abstract

The purpose of the research is to investigate the effect of the mother tongue on the educational process of preschool children in the bilingual areas of Soma, Broadost, West Azerbaijan, and the correlational research method was used. The statistical population was 176 preschool teachers of Somay Broadost region of West Azerbaijan in 2023. Of these, 125 teachers were investigated by simple random sampling. The results of the hypotheses test showed that the relationship between the two variables of the educational process and the mother tongue of bilingual areas are both affected by the third variables, namely the gender, education and age of the respondents, and the researcher's argument that the relationship is false is correct and the third variable explains the relationship between these two variables. and the explanation of the predictor was the third variables named gender, education and age of the respondents. The results of the regression model showed that the selected variables estimated about 45% of the changes in the educational process, and the remaining 55% of the variance is explained by other variables that are out of the equation. And finally, the results of the path analysis showed that the total effect of the respondents' age variable is greater than all other variables with a beta coefficient of 0.327, while the respondents' gender variable has the lowest total effect with a beta coefficient of 0.106. Therefore, the age variable of the respondents has the largest contribution and the gender variable of the respondents has the smallest contribution in explaining the educational process variable of preschool children in bilingual areas. Looking at the results of the research, it can be said that a method should be adopted that the mother tongue in the early preschool and primary period until the bilinguals reach the third level of the growth threshold; It means that they can achieve sufficient ability in both languages, it can be used in education so that students can make a good progress. Also, to facilitate preschool education in these areas, the content of books and educational activities can be considered native and local so that the challenge of combining new content and Persian language does not cause confusion for bilingual children.

**Keywords:** Mother tongue, educational process, pre-school children, bilingual areas, Soma Broadost of West Azerbaijan.